

# ایکاش نفت نداشتیم!

به مناسبت ۲۹ اسفند سالروز

ملی شدن صنعت نفت

(بخش سوم)

محمد حسینی

۲۹ اسفند ۱۳۸۴

در بخش سوم به قسمتی از سخنان زنده یاد دکتر محمد مصدق به نقل از مذاکرات مجلس شورای ملی (جلسه شماره ۱۸۵)، روز یکشنبه ۱۳۳۰/۶/۱۷ توجه می کنیم:

« در این مملکت سه عقیده هست:

اول عقیده هواخواهان سیاست انگلیس، پیروان این عقیده می گویند تا دولت انگلیس منافعی از این مملکت نبرد هرگز راضی نمی شود که از استقلال این مملکت دفاع کند باید دولت انگلیس منافعی ببرد تا آن منافعی او را مجبور کند که از استقلال این مملکت دفاع کند. من اینجا سوال می کنم که دولت انگلیس که به استقلال این مملکت هیچ وقت عقیده نداشته چطور می تواند به چیزی که عقیده نداشته اقدام کند؟ (احسن)

دولت انگلیس همان دولتی است که در قرارداد ۱۹۱۹ وقتی که دولت شوروی از صحنه سیاست این مملکت خارج شد آمد با دولت ایران قرارداد تحت الحمایه بست، این قرارداد در ماده اول می گوید که دولت ایران مستقل است و دولت انگلیس آزادی او را تأمین می کند. ولی در ماده دوم می گوید قشون این دولت و در ماده سوم مالیه این مملکت باید تحت نظارت و تفتیش دولت انگلیس واقع بشود. من از آقایان می پرسم یک دولتی که عقیده به استقلال مملکتی داشته باشد چطور چنین قراردادی را با این دولت منعقد کرده است؟ پس وقتی که ثابت شد که دولت انگلیس عقیده به استقلال این مملکت و سایر ممالک ندارد وقتی که دول اروپا می خواهند دول آسیا را زبون و ناتوان و از آن ها سوء استفاده کنند چطور ما می توانیم معتقد بشویم که این دول می خواهند دول مشرق استقلال پیدا کنند یا اگر استقلالی دارند استقلال خود را از دست ندهند؟ این مسأله به کلی به همه ثابت شده و کسی نیست این مطلب را تصدیق نکند که دول اروپا و دول بزرگ می خواهند ممالک شرق را استعمار کنند. می خواهند در مملکت خود بنشینند راحت زندگی کنند و مردمان این ممالک را بیچاره و ناتوان نمایند (صحیح است). این قضیه بر هرکسی روشن است دیگر من در این باب نمی بایست استدلالی بکنم تمام عهدنامه های قرن نوزدهم حاکی از این مطلب است که هر وقت یک دولتی در یک جایی در یک محلی به کار خود مشغول بود در آنجا وارد شده اند و دولت را تسخیر کرده اند . . . »

**آیا فقط همین مطلبی که زنده یاد دکتر محمد مصدق در آن زمان به این سادگی و روشنی بیان داشته بود کافی نیست که مدعیان امروزی پیروی از راه مصدق به خود آیند و در نگاه و شناخت غلط خود از آن مرد بزرگ و نابغه دوران تجدید نظری بکنند؟**

وقتی دکتر محمد مصدق در ابتدای این قسمت از سخنان خود به قرارداد ننگین ۱۹۱۹ اشاره می کند و در چند جمله بعد به ما گوشزد می کند:

« تمام عهدنامه های قرن نوزدهم حاکی از این مطلب است که هر وقت یک دولتی در یک جایی در یک محلی به کار خود مشغول بود در آنجا وارد شده اند و دولت را تسخیر کرده اند . . . »

اشاره اش به نفت و قیمت هر بشکه نفت و حتی ملی شدن یا نشدن صنعت نفت نیست. قرارداد ۱۹۱۹ و دیگر قراردادهای انگلیس و روسیه در قرن نوزدهم ربطی به نفت نداشت. (متن این قراردادها به زودی بر روی سایت [www.chebayadkard.com](http://www.chebayadkard.com) قرار خواهد گرفت) بلکه همه یکسر مربوط به استیلای استعماری بر ایران بود. با چنین مدارک و شواهدی آیا این توهین به مصدق و یکایک مبارزان جانباخته از زمان جنبش مشروطه تا روزگار سیاه کنونی نیست که بزرگ ترین تفکر و هدف آن بزرگکرد « ملی کردن صنعت نفت» بوده است؟ آیا پاداش اینهمه فداکاری و خونی که مبارزان صف مقدم در راه « استقلال و آزادی ایران» نثار کردند همین است که حالا در سالگرد ۲۹ اسفند «ملی شدن نفت» یا روزهای ویژه ای که بر

تقویم تاریخیچه فداکاری های گذشتگانمان ثبت است فداکاری ها و خون پاکشان را در یک کفه ترازو و مقداری دلار در کفه دیگر ترازو قرار دهیم و سخن از تأثیرگذاری «ملی شدن نفت» بر روی در آمد و اقتصاد ایران از آن زمان تاکنون به میان آوریم؟ . . .

اوضاع ناگواری که در درون مرزهای ایران بر مردم ستمدیده حاکم است از یک سوی، و اوضاع پریشانی که برما ایرانیان برونمرزی در امر مبارزه حاکم شده از سوی دیگر نشان می دهد که دسته بندی افراد جامعه از سوی زنده یاد دکتر محمد مصدق که گفت «در این مملکت سه عقیده هست: اول عقیده هواخواهان سیاست انگلیس، پیروان این عقیده می گویند تا دولت انگلیس منافعی از این مملکت نبرد هرگز راضی نمی شود که از استقلال این مملکت دفاع کند باید دولت انگلیس منافعی ببرد تا آن منافع او را مجبور کند که از استقلال این مملکت دفاع کند. من اینجا سوال می کنم که دولت انگلیس که به استقلال این مملکت هیچ وقت عقیده نداشته چطور می تواند به چیزی که عقیده نداشته اقدام کند؟»

چنانچه در آن روزگار شامل تعداد اندکی از مردم و سیاست پیشه ها در ایران می شد امروزه شامل جمع بی حد و حسابی از ما مردم و سیاست پیشه ها و حتی مبارزان قلابی ما می شود که برای نجات خود چشم به درگاه همان انگلیس و امریکایی دوخته ایم که با سرنگون ساختن دولت مصدق مفاد قرارداد ۱۹۱۹ را آرام آرام بسی آسان تر از آنچه که در خواب هم نمی دیدند در میهن ما پیاده کردند و اکنون اجرای مفاد قرارداد ننگین ۱۹۰۷ را نیز کاری آسان می پندارند.

**ایکاش نفت نداشتیم** تا «استقلال» را همانند مردم هند که از رهنمودهای پیشوای استقلال طلبشان «مهندس کرچند گاندی» به دست آوردند از رهنمون ها و بنیاد اندیشه و اهداف «دکتر محمد مصدقمان» که گاندی ما بود به دست آورده بودیم و در دام سیاه حیلها و طرفندها نیافتاده بودیم. افسوس . . . فریاد . . . فغان . . . هیئات از آنچه که بر سر ما نه، بلکه بر سر بشریت می خواهند بیاورند!

اما به این جهات نباید دست از تلاش کشید. از سرسختی و لجاجت رهبران قلابی سیاسی میهنمان نه در درون و نه در بیرون ایران نباید وحشتی به دل راه داد. برق شعله های فروزانی که از عقل سلیم و وجدان بیدار مردم جهان شعله می کشد بس امیدبخش است.

گرچه این قصه پر غصه را پایانی نیست، اما در اینجا . . . **پایان.**